**بررسی مهارت­های تفکر انتقادی، خودآگاهی، همدلی، تصمیم گیری و ارتباطی در داستان­های فرهاد حسن زاده**

\*دکتر جهانگیر صفری

\*\* دکتر سجاد نجفی بهزادی

**چکیده**

مهارت­های تفکرانتقادی، خودآگاهی، همدلی، تصمیم­گیری و ارتباطی نقش مهمی در زندگی کودکان و نوجوانان دارند. نویسندگان کودک و نوجوان از طریق دنیای داستان و رمان می­توانند این مهارت­ها را در کودکان تقویت کنند. کودکان و نوجوانان برای ورود به اجتماع و زندگی به آموختن برخی از مهارت­ها نیاز ضروری دارند. مهارت­هایی که کودکان را برای رویارویی با چالش­ها و مشکلات زندگی آماده می­کند. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل مهارت­های خودآگاهی، تصمیم­گیری، همدلی و تفکر انتقادی در آثار داستانی فرهاد حسن­زاده است. روش پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی­ و گردآوری اطلاعات به صورت بررسی اسناد کتابخانه­ای است. نتایج پژوهش نشان داد که از میان مهارت­های مورد بررسی، مهارت همدلی و خودآگاهی بیشترین کاربرد را در میان دیگر مهارت­ها داشته­اند. از میان مولفه­های مهارت خودآگاهی، مولفه شناخت نقاط ضعف و قوت و از میان مولفه­های مهارت همدلی، مولفه­های احترام به دیگران و دوست­یابی بیشترین کاربرد را داشته­اند. نکته دیگر اینکه به مولفه­هایی چون تحمل افراد و توجه به ارزش­های خود، تفکر انتقادی و شناخت حقوق و مسئولیت کمتر توجه شده است.

واژگان کلیدی: خودآگاهی، تصمیم گیری، همدلی، تفکر انتقادی، ارتباطی، داستان، حسن­زاده

**\***استاد گروه ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد. ایران

**\*\*** استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد. ایران

**مقدمه**

مهارت­های زندگی نقش مهمی در زندگی کودک و نوجوان دارد. آموزش مناسب این مهارت­ها کودک و نوجوان را در مقابله با مشکلات و بحران­های زندگی یاری می­دهد. با توجه به گسترش فناوری­های جدید، زندگی انسان امروز دچار تغییر و تحولات زیادی شده و به دنبال آن مسایل و مشکلات متعددی به وجود آورده است که مقابله با این مشکلات نیازمند کسب مهارت­های فردی و اجتماعی است. کودکان و نوجوانان می­توانند در سنین پایین و با کسب مهارت­های مختلف زندگی، خود را برای مقابله با مشکلات احتمالی در آینده آماده کنند. در حقیقت مهارت­های زندگی این توانایی را به مخاطب کودک و نوجوان می­دهد که با انجام رفتارهای سازگارانه و مثبت، با چالش­ها و مشکلات زندگی مقابله کند. بهترین وسیله برای آموزش مهارت­های زندگی، ژانر ادبی داستان و رمان است. در دنیای رمان و داستان مخاطب کودک از طریق هم­ذات پنداری با شخصیت داستان و دنبال کردن مشکلات شخصیت­ها، با مهارت­ها و شیوه­های مقابله با مشکلات آشنا می­شوند.

حسن­زادهفروردین ماه۱۳۴۱ در آبادان به دنیا آمد. نویسندگی را در دوران نوجوانی با نگارش نمایشنامه و داستان‌های کوتاه شروع کرد. آثار فرهاد حسن­زاده بسیار متنوع هستند. او برای تمام گروه‌های سنی کتاب نوشته و در گونه‌های مختلف ادبی مانند رمان، داستان کوتاه، شعر، داستان تصویری، بازآفرینی متون کهن، زندگی ‌نامه و طنز دست به تألیف زده و تاکنون نزدیک به صد اثر از او به چاپ رسیده است. کتاب‌های فرهاد حسن­زاده از جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی جوایز بسیاری گرفته که می‌توان به مهمترین‌شان اشاره کرد: جایزه ماه طلایی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، تقدیر شده در سه دوره کتاب سال ایران، برگزیده چند دوره جشنواره کتاب کانون پرورش فکری، برنده تندیس نقره‌ای از جشنواره لاک‌ پشت پرنده.

هدف پژوهش حاضر بررسی مهارت­های همدلی، خودآگاهی، تصمیم­گیری، تفکر انتقادی و ارتباطی در داستان­های فرهاد حسن­زاده و پاسخ به این پرسش­هاست که کدام مهارت کاربرد بیشتری در آثار نویسنده داشته است؟ و کاربرد کدام مهارت­ها نقش مهمی در زندگی کودک ایفا می­کند؟

**پیشینه پژوهش**

درباره مهارت­های خودآگاهی، تصمیم­گیری، همدلی، تفکر انتقادی و مهارت ارتباطی در داستان­های فرهاد حسن­زاده پژوهشی مستقل صورت نگرفته، اما به پژوهش­هایی درباره مهارت­های زندگی و بررسی آن در برخی از آثار دیگران اشاره می­شود:

صدری­زاده، (1390) به بررسی آموزش مهارت­های زندگی در داستان کودک پرداخته است. نویسنده در این اثر به مقوله مهارت­های زندگی در داستان­های کودک براساس عناصر و گونه­های داستانی پرداخته است. نگارنده روش «برنامه­ی فلسفه برای کودکان» را پیشنهاد می­دهد و در ضمن معرفی این برنامه، نشان می­دهد که چگونه برنامه­ی فلسفه برای کودکان در آموزش و فراگیری مهارت­های زندگی موثر واقع می­شود.

امیدی­نیا و همکاران (1392) در مقاله بررسی مهارت­های تفکر انتقادی در رمان­های برگزیده نوجوان فارسی دهه 80 براساس فهرست پیتر فاسیونه، به کنش­ها، عملکردها و گفت­وگوهای شخصیت­های داستان بر اساس شش مهارت تفکر انتقادی فاسیونه پرداخته شده است.

رضایی و همکاران (1397) در مقاله بررسی تطبیقی مهارت­های زندگی در داستان­های حسن­زاده و اریش کستنر به بررسی مهارت­های همدلی، تصمیم­گیری، تفکر خلاق و مهارت فردی پرداخته­اند. با این تفاوت که مقاله مورد نظر فقط به دو رمان حسن زاده پرداخته است؛ درحالی که پژوهش حاضر تمام آثار حسن زاده را مورد بررسی قرار داده و به مهارت­های دیگری چون خودآگاهی و مهارت ارتباطی نیز توجه شده است.

**روش تحقیق**

روش پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به صورت اسناد کتابخانه ای است. مهم­ترین آثار فرهاد حسن­زاده در زمینه داستان و رمان از نظر مهارت­های همدلی، تفکرانتقادی، تصمیم گیری، خودآگاهی و مهارت ارتباطی بررسی شدند. در بررسی بسامد مهارت­ها، مهارت تفکر انتقادی و تصمیم­گیری به صورت کلی و بدون زیر مجموعه بررسی و تحلیل شدند.

**مبانی تحقیق**

مهارت­های خودآگاهی، همدلی، تصمیم­گیری و تفکر انتقادی از مهم­ترین مهارت­های زندگی به شمار می­روند که نقش مهمی در زندگی کودکان ایفا می­کنند. کودکان و نوجوانان بیش از دیگران به آموختن و آشنایی با مهارت­های زندگی نیاز دارند. مهارت­هاي زندگي به مهارت­هايي گفته مي­شود كه باعث افزايش توانايي رواني-‌ اجتماعي افراد مي­شود و فرد را قادر مي­سازد كه به طور مؤثر با مشکلات و كشمكش­هاي زندگي رو برو شود. سازمان بهداشت جهاني‌، مهارت­هاي زندگي را «توانايي انجام رفتار سازگارانه و مثبت مي­داند، به گونه­اي كه فرد بتواند با چالش­ها و ضرورت‌هاي زندگي روزمره كنار آيد». (طارمیان،1383: 16) يکي از موثرترين برنامه­هايي که به افراد کمک مي­کند تا زندگي بهتر و سالم­تري داشته باشند، برنامه آموزش مهارت­هاي زندگي است. هدف اين برنامه کمک به افراد جهت شناخت هر چه بهتر خود، برقراري روابط بين فردي مناسب و مؤثر، کنترل هيجانات، مديريت داشتن بر شرايط تنش­زا و حل کردن هر چه بهتر مسايل و مشکلات افراد است. برنامه مهارت­های زندگی یکی از راهبردهای متمرکز بر فرد است که از طریق افزایش توانایی مقابله­ای افراد، ظرفیت آنان را در جهت مقابله با چالش­ها، کشمکش­ها و ناملایمات زندگی روزمره ارتقا دهد و فرد را در برابر مشکلات ایمن سازد. آشنایی کودکان و نوجوانان با این مهارت­ها، به آنها کمک می­کند بهتر بتوانند با مشکلات و مسائل زندگی کنار بیایند و راه حل مناسبی برای برطرف کردن آنها بدست بیاورند. پیت من (Pittman) مهارت­های زندگی را به عنوان توانایی­ها، دانش­ها، نگرش­ها و رفتارهایی تعریف کرده که برای شادمانی و موفقیت در زندگی آموخته می­شود. این مهارت­ها انسان را قادر می­سازد تا با موقعیت­های زندگی سازگاری یابد و به آنها تسلط داشته باشد و از طریق رشد این مهارت­ها، افراد یاد می­گیرند که به راحتی با دیگران زندگی کنند، احساس خود را با امنیت خاطر بیان کنند«.( پیت من به نقل از کاوه، 1391 :32) مهارت­های تفکر انتقادی، خودآگاهی، تصمیم­گیری و همدلی، مهارت­های اساسی­ای هستند که فرد را قادر می­سازد مسئولیت امور زندگی را برعهده بگیرد و خود در پی حل مسائل و مشکلات زندگی باشد. «در واقع این نوع از مهارت­ها، مهارت­ها و توانمندی­هایی هستند که فرد را در مقابله موثر و پرداختن به کشمکش­ها و موقعیت­های دشوار زندگی یاری می­دهد و سلامت روانی او را تامین می­کند». (همان :32)

**خودآگاهی**

یکی از مهم­ترین مهارت­های زندگی، مهارت خودآگاهی­ست. مهارتی که به کودکان می­آموزد خود را بهتر بشناسند و از نقاط ضعف و قوت خود آگاه باشند. «خودآگاهي به معناي تعمق در خود و متمرکز ساختن توجه، بر تجربه­هاي شخصي است». (گلمن به نقل از کاوه،1391) جان مه ير(John Mayer) نيز خود آگاهي را چنين تعريف مي­کند: «خودآگاهي به معناي آگاه بودن از حالت رواني خود و نيز تفکر ما درباره آن حالت است». (فرمهيني و پيداد،۱۳۸۹ :123) آگاهی از نقاط ضعف و قوت، توانایی­ها، محدودیت­ها، شناخت حقوق و مسئولیت­ها، شناخت ارزش­های خود و پذیرش انتقادات دیگران برای شناخت بهتر خویشتن از مهم­ترین مولفه­های مهارت خودآگاهی است.

**همدلی**

مهارت همدلی به عنوان یکی از مهارت­های زندگی به کودکان کمک می­کند تا از طریق درک احساسات دیگران، ارتباط مناسبی با همسالان و گروه­های مختلف جامعه داشته باشند. همدلي يعني توانايي درک و احساسات ديگري. براي چنين منظوري فرد همدل بايد بتواند خود را جاي ديگري بگذارد، امور را از ديدگاه او ببيند و از خود بپرسد که اگر به جاي او بود چه احساسي داشت. نيازي نيست که لزوما با عقايد و احساسات طرف مقابل موافق باشد، زيرا مي­توان با ديدگاه­هاي ديگري مخالف بود و در عين حال احساسات ديگري را درک کرد. همدلي سبب مي­شود که شکاف موجود در روابط از بين برود و زمينه مساعدی برای نزدیک شدن و در نتیجه کاهش حالت تدافعی و تقابلی فراهم آید. (ر.ک حمیدی،1384 :18)

**تصمیم گیری**

انسان همواره در زندگی روزمره خود تصمیماتی می­گیرد که ممکن است مسیر زندگی­اش را تغییر ­دهد. انتخاب تصمیم درست، تاثیر زیادی در پیشبرد زندگی و اهداف انسان دارد. از نظر ليپ و بيزلي( Lip and Beasley) «تصميم­گيري يک تلاش با اراده و هدايت شده به سوي هدف است که در آن انتخاب شقوق مختلف به طور منظم و سيستماتيک به کار گرفته مي­شود. همچنين از نظر ارم (Orem) تصميم­گيري فعاليت حصول به هدف است که بر آن قضاوت و ارزيابي موقعيت­ها و انتخاب­هاي قطعي و انديشمندانه از آنچه که بايد انجام شود، مقدم است». (ليپ و بيزلي به نقل از فرمهيني و پيداد، ۳۸۹)

**مهارت انتقادی**

تفکر انتقادی، تفکری است مستدل و مستند به مدارک و اطلاعاتی موثق که انتظار می­رود به قضاوتی صحیح منجر شود و استاندارهایی مناسب را برای ارزیابی و تفسیر مسایل پیچیده و بحث برانگیز، به منظور رسیدن به نتیجه عرضه کند. (ر.ک کوکبی و همکاران،1389 :161) تفکر انتقادی افراد را در انتخاب راه زندگی خودکفا می­کند. «تفکر انتقادی به مخاطب داستان­ها کمک می­کند تا در تصمیم گیری پیرامون امور زندگی و جامعه به صورت دموکراتیک دخالت کند». (نوریس به نقل از مکتبی فرد،1394) مخاطب از طریق شخصیت­های داستان، کنش­ها و رفتارهای انتقادی آنها یاد می­گیرد که آزادانه نسبت به مسایل واکنش نشان دهد و انتقادات خود را بدون ترس مطرح کند.

**مهارت ارتباطی**

مهارت ارتباطی، مهارتی است که کودکان را در مسیر اجتماعی شدن و پیوستن به گروه­های همسالان و کسب تجربیات تازه یاری می­دهد. «مهارت­هاي ارتباطي که گاهی مهارت اجتماعي يا مهارت بين فردي نيز ناميده مي­شوند عبارتند از: توانايي فرد براي ارتباط برقرارکردن با ديگران در جهت برآورده نمودن نيازها، خواسته­ها، حق و حقوق يا تعهدات به شيوه­ي قابل قبول بدون اينکه به نيازها، خواسته­ها، حق و حقوقي يا تعهدات ديگران صدمه­اي وارد آورد». (هانتر،1378 :33) در اهميت کسب اين مهارت بايد به اين نکته اشاره کرد که پژوهش­هاي روان شناختي نشان داده­اند که روابط بين فردي مؤثر به ارتقاي تندرستي و سلامت رواني، رشد شخصي و هويت­يابي، افزايش بهره­وري شغلي، افزايش کيفيت زندگي، افزايش سازگاري، مقابله سازنده با استرس و خود شکوفايي منجر مي­شود. (ر.ک کلینکه،1384 :56)

**داستان و مهارت­های زندگی**

یکی از راه­های مهم و مناسب برای آموزش مهارت­های زندگی به کودکان و نوجوانان، ژانر داستان و رمان است. «خواندن داستان فعالیتی ذهنی است که به تجربه آدمی معنا می­بخشد. بی­تردید خواننده با خواندن داستان و نقد آنها در عین اینکه از ابتذال زندگی روزانه فراغت می­یابد، معیارهایی بدست می­آورد که می­تواند تجربه­های زندگی را با آنها محک بزند. جهان­هایی تازه کشف می­کند و به آگاهی می­رسد. هنگامی که زندگی جالب و جذاب است، داستان­ها می­توانند احساس ما را نسبت به آن زیادتر کند». (گلشیری­،1380 :45) داستان‌ها علاوه بر این ‌که در زمینه‌ی عاطفی نیرومند هستند، چالش‌های بالقوه‌ای را نیز برای پردازش شناختی فراهم می‌کنند. «داستان می‌تواند در عمل برای کودک پیچیده‌ترین موضوع فکری باشد چرا که عناصر، موضوع‌ها، و روابط مختلفی است که در روند خاص رویداد‌ها آشکار می‌شوند و کودک را با خود همراه می­کند». (فیشر، 1385 :137) کودک و نوجوان از طریق شخصیت­های داستان مهارت­ها را در وجود خویش نهادینه می­کند. «مخاطب کودک و نوجوان به عنوان خواننده‌ی داستان، در طول شنیدن یا خواندن داستان به ناگزیر از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات قهرمان(یا قهرمانان) و ضد قهرمان (یا ضد قهرمانان) داستان عبور می‌کند، با عواطف و نگرش آن‌ها سهیم می‌گردد و سرانجام با پیروزی- یا احتمالاً شکست- قهرمان داستان، همراه با وی طعم پیروزی یا شکست را می‌چشد». (خسرونژاد، 1382 :192-193)

داستان به کودک فرصت می­دهد که امیال و محتوای ناخودآگاه خود را تعبیر نماید و محیط زندگی خود را بشناسد که خود از مهم­ترین اهداف آموزش و پرورش است. ادبیات برخاسته و الهام گرفته از موقعیت­های واقعی زندگی، می­تواند به قلمرو عواطف بچه­ها نفوذ کند، بچه­ها را با خود به فضای آزاد صمیمی و به دور از محدودیت ببرد و به تفکر وادارد تا بچه­ها در این فضای جدید با شخصیت های گوناگون و کنش های آنان و رویارویی با واقعیت­های مشابه زندگی خود، راه­های مناسب مقابله با مشکلات پیرامون خویش را کشف کند. آنچه اهمیت این پژوهش را ضروری می­سازد این است که انتقال و آموزش مهارت­های زندگی از طریق داستان می­تواند برای کودکان جذاب و قابل فهم­تر باشد و اینکه مهارت­های زندگی به چه میزان و بسامدی در آثار نویسنده استفاده شده است، اهمیت کاربرد این مهارت­ها در داستان­های کودکان و نوجوانان چیست؟ و به چه مهارت­هایی باید توجه بیشتری نشان داد؟

**بحث و بررسی**

در این بخش به تعریف و بررسی مقولات اصلی پژوهش از جمله: مهارت­های خودآگاهی، همدلی، تصمیم گیری و تفکر انتقادی در داستان­های حسن زاده پرداخته می­شود.

**مهارت خودآگاهی**

افرادی که دارای مهارت خود آگهی هستند می­توانند با اعتماد به نفس زیاد، عقاید و نظرات خود را مطرح کنند.«با اراده­اند به این معنی که بر خلاف فشارها و دودلی­ها، می­توانند تصمیم­گیری و احساسات و هیجانات خود را کنترل کنند.»(همان :87) در آثار فرهاد حسن­زاده، نویسنده کودک، برخی از مولفه­های مهارت خودآگاهی دیده می­شود. شخصيت­هاي رمان­هاي حسن­زاده با شناختي که از خود و ويژگي­هايشان دارند، اطلاعات زيادي درباره کودکي و مسايل زندگي در اختيار مخاطبان خود مي­دهند. «از ژيگول بازي و لاک زدن خوشم نمي­آيد. من عاشق ژيمناستيک و فوتبال بودم.. توي اتاق و حياط و باشگاه پشتک مي­زدم. مي­توانستم بيست تا روپايي بزنم. شوت­هايم سنگين و برزيلي بود. ولي بابا اين کارها را دوست نداشت...». (حسن­زاده،1389 :27) شخصیت هستي به خوبي نيازها، خواسته­ها و احساسات خود را مي­شناسد و با بروز دادن آنها به مخاطب ياد مي­دهد که به آنچه مي­خواهد مي­تواند برسد به شرطي که نسبت به نيازها و خواسته­هايش آگاهی داشته باشد. او از اعتماد به نفس بالایی برخوردار است و از عهده مشکلات بر می­آید. شخصیت هستی در مقابل پسران زورگوی محله، کوتاه نمی­آید و از حق خود دفاع می­کند. « احساس قدرت می کردم. پسرها را دیدم که خودشان را مثل موش جمع وجور کردند و زیر چشمی به ما خیره شدند. حس کردم مرد میلیون دلاری هستم و خیلی زور دارم... دلم می­خواست زبان باز می­کردند و باز از آن متلک­ها می­گفتند. دلم می­خواست جاشکول (اسم شخصیت) دهان گشادش را باز می­کرد تا یکی از دبه­ها را خالی کنم روی کله بی مغزش. لبم را فشار دادم و با قدرت نگاهشان کردم...».(1389 :143) شخصیت هستی با شناختی که از خود و توانایی­هایش دارد، در مقابل پسران زورگو می­ایستد و از حقش دفاع می­کند. دختران نوجوان از طریق خوانش داستان و همراهی با شخصیت داستان، به خودباوری می­رسند و از نقاط قوت خود در مقابل آسیب­های جامعه آشنا می­شوند. در برخی مواقع دختران با آسیبی به نام مزاحمت و آزار از طرف جنس مقابل مواجه هستند. شناخت نقاط قوت و ضعف و تقویت آنها می­تواند نوجوانان دختر را در مقابله با این آسیب­ها ایمن سازد.

در داستان «بیا آواز بخوانیم» حسن­زاده مهارت خودآگاهی را به صورت غیرمستقیم و در قالب کشمکش دو پرنده به مخاطب آموزش می­دهد. دو پرنده که شخصیت اصلی داستان هستند، برای اثبات خوش صدایی یکدیگر باهم درگیر می­شوند. این کشمکش و درگیری باعث می­شود که آن­ها در چنگال روباه گرفتار شوند. روباه از نقطه ضعف دو پرنده استفاده می­کند و آنها را اسیر می­کند.«پرنده­ها پایین­تر آمدند. چشم­هایشان را بستند و خواستند آواز بخوانند که خود را در چنگال روباه دیدند. روباه گفت: ممکن است شما آوازتان خوب باشد، اما فکرتان اصلا کار نمی­کند. پرنده دم آبی گفت: می­خواهی با ما چکار کنی؟ روباه گفت: خیلی وقت است جوجه کباب نخورده­ام..». (حسن­زاده،1376 :9) پرنده دم قرمز به اشتباه خود پی­برد و به دنبال راه رهایی بود. دم قرمز آرام در گوش دم آبی گفت: روباه از نقطه ضعف ما استفاده کرد و ما را گرفتار کرد. هر کاری من می­کنم تو هم انجام بده. هر دو شروع به آواز خواندن کردند:

|  |  |
| --- | --- |
| بیا وقتی اسیریم | وقتی داریم می­میریم |

|  |  |
| --- | --- |
| بیا آواز بخوانیم | شاید تنها نمانیم |

پرندگان و حیوانات جنگل با شنیدن صدای دو پرنده به کمک آمدند و آن­ها را از چنگ روباه نجات دادند. (همان:13) پرنده دم قرمز از توانایی خود (همصدایی و خوش صدایی) برای رهایی از مرگ استفاده کرد. دو شخصیت داستان با آگاهی از توانایی و شناخت نقطه ضعف خود، توانستند از خطر نجات پیدا کنند. مخاطب کودک از طریق خوانش داستان و همراهی با شخصیت­ها می­آموزد که در شرایط سخت زندگی با استفاده از توانایی­های خود می­تواند مشکلات را برطرف کند. خودآگاهي، عزّت نفس و اعتماد به نفس، از شاخص­هاي اساسي توانمندي‌های هر انساني به شمار مي­رود. اين سه ويژگي، فرد را قادر مي­سازد فرصت­هاي زندگي خود را مغتنم شمرده و براي مقابله با خطرهاي احتمالي آماده شود، وي ياد مي‌گيرد به خانواده و جامعه بينديشد، نگران مشكلاتي باشد كه در اطرافش وجود دارد و براي حل آنها چاره انديشي كند. (ر.ک سيف،1385: 77) شخصيت زيبا در رمان«زيبا صدايم کن» نيز شناخت نسبتا خوبي از خود و نيازهايش دارد. «کنار بانک کارواش بود. کنار کارواش گل فروشي پامچال. از پامچال خوشم نمي­آيد. يادم به مچاله شدن زير پا مي­افتد ... داماد شيک و پيک از ماشين پياده شد و رفت جلو گل فروشي. از گل کاري ماشين بدم مي­آيد. يعني چي يه باغچه گل به ماشينت بچسباني و بوق بوق راه بيفتي تو خيابان­ها. من دلم مي­خواست ماشين عروسم فقط تور بادکنک داشته باشد...». (حسن­زاده:1394 :30)

**مهارت همدلی**

در اين مهارت، فرد مي­آموزد چگونه احساسات افراد ديگر را در شرايط گوناگون درك كند، تفاوت‌هاي فردي را پذيرفته و روابط بين فردي خود را با ديگران بهبود بخشد. «همدلی دو جزء دارد. یکی شناختی و دیگری عاطفی. شناختی عبارت است از توانایی در شناسایی حالات دیگران و عاطفی نیز توانایی نشان دادن پاسخ عاطفی مناسب است». (امامی،1383 :34) همدلی دارای مولفه­های گوناگونی است. مولفه­هایی چون؛ علاقه به دیگران، ابراز محبت و دوستی، گوش دادن به حرف دیگران، درک احساسات و تحمل افراد. مهارت همدلی و مصداق­های آن در داستان­های حسن زاده به خوبی دیده می­شود. درداستان«همان لنگه کفش بنفش» شخصیت­ها، احساسات همدیگر را درک می­کنند و واکنش عاطفی مناسبی نسبت به همدیگر دارند. «موش به لنگه کفش گفت: بعضی چیزها باید جفت داشته باشند تا معنا بدهند. لنگه کفش آهی کشید و گفت: بله من هم برای همین است که دنبال جفتم می­گردم. موش آهی کشید و گفت: آه.. جفت.. نگو که دلم مثل قالب پنیری له شده است. لنگه کفش گفت: پس تو هم دنبال جفتت هستی؟ موش گفت: بودم ولی پیدا نکردم. لنگه کفش گفت: چرا؟ موش گفت: واقعا دوست داری بشنوی؟ لنگه کفش گفت: واقعا دوست دارم بشنوم...». (حسن­زاده،1382 :17) لنگه کفش با دقت به حرف­های موش گوش می­دهد و ضمن درک احساس او، نسبت به شرایط و وضعیت او واکنش عاطفی نشان می­دهد. حسن­زاده در داستان کوتاه«­از صدای باران خوشم می­آید» مولفه­های مهارت همدلی (درک احساسات، واکنش مناسب عاطفی) را به مخاطب انتقال می­دهد. شخصیت «رویا» به علت دوری و جدایی پدر و مادر احساس تنهایی می­کند. او احساس و واکنش خود را به اشیا و وسایل پیرامون فرافکنی می­کند. او نیاز دارد کسی احساسش را درک کند و با او حرف بزند. «با قیچی قهرم. قهر قهر تا روز قیامت.اگر قیچی نبود حالا بابایی و مامانی پیش هم بودند. مثل استکان و نعلبکی. مثل آینه و شمعدان ...».(همان:7) در نهایت پدر و مادر رویا او را در آغوش می­گیرند و احساسات او را پاسخ می­دهند. «مامانم بغلم می­کند. بابایی نازم می­کند. از صدای قلبشان خوشم می­آید. مامان و بابا می­آیند، هر دویشان خیلی ترسیده­اند...».(حسن­زاده ،1387 :19) همدلی به کودک اجازه می­دهد خود را جای دیگران بگذارد. به کودک توانایی درک دیدگاه یا موقعیت شخص دیگر و ارائه حمایت احساسی را می­دهد. داستان و رمان بهترین و مناسب ترین نوع ادبی برای انتقال مهارت همدلی به مخاطب کودک و نوجوان است. مخاطب کودک از طریق همذات پنداری با شخصیت داستان، مهارت همدلی را در خود نهادینه می­کند.

در رمان «*هستي*» همدلي و صميميت ميان هستي و خاله نسرين بيشتر از ساير شخصيت­ها ديده مي­شود. «عين رگبار مسلسل در زدم. خاله در را باز کرد. چه خبرته کولي! پريدم بغلش. مثل روزاي بچگي مرا چسباند به خودش و من پاهايم را جمع کردم و او مرا مي­چرخاند. خاله به قربونت بره. بي­بي داد زد: يواش! بچه رو بيدار نکنين. ساکت شديم و خاله يک قدم فاصله گرفت و نگاهم کرد. چه پير شدي خاله...».(حسن­زاده،1389 :129) اين صميميت و يک­دلي از طريق همذات پنداري مخاطب با شخصيت داستان در وجود کودکان و نوجوانان تقويت مي­شود.

احترام به دیگران و تحمل رفتار آنها نقش مهمی در تقویت مهارت همدلی دارد. شخصیت هستی، با خاله و دایی خود رابطه گرم و صمیمی دارد، اما با پدرش چندان همدل و همراه نیست، با این حال به پدرش احترام می­گذارد و برخی از رفتارهای تند پدر را تحمل می­کند تا همدلی میان آنها از بین نرود.« زیر چشمی نگاه کردم. از جیبش تکه­ای لواشک در آورد و تکان تکان داد. بدترین چیز دنیا. مطمئن بودم برای من نخریده. خیلی احترامش گذاشتم که عُق نزدم. مامان گفت: تو که می­دونستی هستی از لواشک بدش می­آد... داشتم توی آفتاب داغ کباب می­شدم. خدا خدا می­کردم اصرار کنن برم تو سایه... بابا را دیدم که همین جور توی جیب­هایش را می­گشت. بعد بادکنک قرمزی از جیب شلوارش در آورد. بیا اینم برا دختر گلم. فقط خداکنه سوراخ نباشه.. از این مسخره­تر نمی­شد. برای من بادکنک گرفته بود. انگار بچه بودم. گرفتمش فقط برای اینکه قهر نباشم...» (همان:67) شخصیت هستی با وجود اینکه در برخی موارد با پدرش اختلاف سلیقه دارد و پدر او را وادار به انجام کارهای زنانه می­کند، ولی بازهم به پدرش احترام می­گذارد و سعی می­کند مخالفت خود را با پدر به گونه ای ابراز کند که همدلی و علاقه میان آن­ها از بین نرود.

**مهارت تصمیم­گیری**

انتخاب تصمیم مهم و تاثیرگذار در زندگی همواره امری دشوار است. اتخاذ يک تصميم خوب يعني آينده را ديدن و پي بردن به آنچه که پيش خواهد آمد. افراد بايد در تصميم­گيري قادر باشند عواقب احتمالي تصميماتشان را با درجه­اي از صحت پيش بيني کنند. «تصميم گيري عبارت است از: انتخابي که در رويارويي با چالش­ها از ميان گزينه­هاي مختلف، با دقت و مآل انديشي صورت گيرد». (کاوه،1391 :63)

کودکان از طریق همراهی با شخصیت­های داستان و الگوبرداری مناسب از آنها، می­توانند در مراحل مختلف و دشوار زندگی تصمیم مهم و مناسبی بگیرند. شخصیت زیبا در رمان «زیبا صدایم کن» برای دیدن پدرش باید تصمیم مناسبی می­گرفت. «بايد جيم مي­شدم. تنها راهش همين بود. اگر مي­گفتم مريضم و نمي­توانم بيايم مدرسه، بايد تو خوابگاه مي­ماندم. اگر مي­رفتم مدرسه و آن­جا مي­گفتم مريضم، بايد صبر مي­کردم تا مرا ببرند دکتر، بهترين کار اين بود که تو راه خوابگاه و مدرسه همه را مي­پيچاندم..».(حسن­زاده،1394 :17) پدر زيبا تيمارستان است، زيبا براي ملاقات با او تصميم گرفت بين راه به بهانه مريضي از دانش آموزان جدا شود. اگرچه اين تصميم خلاف مقررات آموزشي است و ممکن است براي مخاطب بدآموزي به همراه داشته باشد؛ اما کودک و نوجوان مي­تواند با مقايسه و سنجش رفتارهاي نادرست و خطرپذير شخصيت زيبا، تصميم درست را انتخاب کند. شايد مهم­ترين تصميم زيبا در زندگي­اش، همکاري با پليس و مسئولان آسايشگاه بود. او علي­رغم ميل باطني­اش، پدرش را تحويل آسايشگاه مي­دهد.«ببين دختر جون! تو بايد با ما همکاري کني. اگه باباتو دوس داري! وگر نه کار دست خودش ميده. صداي پارک مياد. تو پارکين درسته؟ زبانم نمي­چرخيد. خانم آژير: يه کلمه بگو کجايين؟ يک کلمه گفتم: نياوران و گوشي را قايم کردم.»(همان :152-153) تصميم زيبا اگر چه در ظاهر ناراحت کننده است و باعث جدايي او از پدرش شده، اما در نهايت بهترين تصميم است. کودکان و نوجوانان نيز با تاثيرپذيري از رفتار و کردار شخصيت داستان، مي­توانند در مواقع ضروري و دشوار تصميم مهم و درستي را انتخاب کنند. کودکان بيشتر از هر يک از ما، شخصيت­هاي داستاني و رخدادهاي داستاني را جدي مي­گيرند. آن­ها آموزه­هاي داستان­ها را با زندگي خود مقايسه مي­کنند. «داستان­ها نگرش کودک را نسبت به زندگي و مشکلات گسترش مي­دهد. «در واقع کودک با کمک داستان و همراهي و همدلي با شخصيت داستان، مي­آموزد که چگونه رفتار و با گرفتاري­هاي مشابه در زندگي برخورد کند و احساسات ديگران را نيز به خوبي درک مي­کند». (نورتون،1382 :89) گاهی انتخاب تصمیم مناسب در میان کودکان و گروه همسالان دشوار به نظر میرسد. در داستان «جنازه با اجازه» شخصیت­های اصلی داستان که شش کودک هستند، بعد از شنیدن ورود جنازه به ساختمان، هر کدام نظر و ایده متفاوتی دارند.«اشکان گفت: من می­گویم زنگ بزنیم به پلیس و تمامش کنیم. خیلی کیف می­دهد. سپهر گفت: حرف نزن بچه! پلیس مدرک می­خواهد. ما که هنوز مدرک نداریم. تازه فیلم­ها را ندیده­اید؟ پلیس­ها همیشه آخر فیلم می­رسند و با دهانش صدای آزیر و تفنگ در آورد. درسا بلند بلند فکر کرد و گفت: ولی این اقای فشارکی قیافه­اش به هر چیزی می­خورد غیر از قاتل. یعنی انگیزه­اش چی بوده؟ فراز گفت: انگیزه چه کوفتی است؟».(حسن­زاده،1397 :38) آن­ها بدون اینکه به پلیس خبر دهند، تصمیم گرفتند خودشان ماجرا را دنبال کنند. هرچند شاید روش و عمل کودکان مورد قبول نباشد؛ ولی جسارت و شجاعت آنان در مواقع خطر قابل تحسین است. شخصیت هستی برای نجات خانواده­اش از بمباران، تصمیم می­گیرد آن­ها را به شهر ماهشهر ببرد. «چشم­های بابا از تعجب گشاد شد. ابروهایش از پشت عینک دودی زد بیرون و گفت: چه بلده! یعنی می­تونی؟ گفتم: معلومه که می­تونم. دایی یادم داده. از خوشحالی دست چپش را بالا برد. مامان گفت: هستی یه بار دیگه نجاتمون داد. حالا هستی داشت موتور می­راند و دسته گاز را می­چرخاند. من روی باک نشسته بودم. بابا پشت سر من... مامان گفت: رسیدیم به یه دو راهی. بابا گفت: معلوم نیست کدومش میره طرف ماهشهر. بی بی گفت: دست راست برو. بابا گفت از کجا می­دونی پیرزن؟... هستی خاک را بو کرد و مزه مزه کرد و انگشتش را به شلوارش مالید و گفت: اوهوم. رد چرخ ماشین را دید. این دلیلی بود برای اینکه احساس کند راه سمت چپی بهتره است..».(حسن­زاده،1389 :99) موتور سواری هستی و نجات خانواده از منطقه جنگی برای مخاطب جالب و قابل تامل است. دختر نوجوان داستان، تصمیم می­گیرد خانواده خود را به جای امنی برساند. در مسیر وقتی با دوراهی مواجه می­شوند. هستی با دقت و بررسی دقیق جاده، مسیر مناسب و درستی را انتخاب می­کند. خواننده نیز با تاثیر پذیری از شخصیت داستان، می­آموزد که چگونه در مواقع لزوم، می­تواند بهترین تصمیم و راه حل را انتخاب کند.

**مهارت تفکر انتقادی**

در رمان­های حسن­زاده نیز شخصیت داستان، به راحتی انتقاد می­کند و نارضایتی­اش را از وضع موجود بیان می­کند. بی­بی و بابای هستی درباره کمبود شیر خشک باهم کشمکش دارند. بی­بی با زبان انتقاد می­گوید: «هست آقا! می­خوای مو برم بیرون پیدا کنم؟ ئی بچه از خواب بیدار بشه، چی می­خواد بخوره؟ کباب چنجه یا کباب بوقلمون؟ باید هر جور شده پیدا کنی. آخه قربون ئو گیس­های سفیدت برم. از کجا؟ خودم بیافرینم؟....». (حسن­زاده،1389 :68) انتقاد بی­بی مستند و با استدلال است. بچه نیاز به شیر خشک دارد. او عقیده دارد اگر پدر هستی تلاش کند پیدا می­کند. بی­بی در ادامه برای اثبات حرفش به پدرمی­گوید:« برو بیمارستان شیر و خورشید. پیش طلعت. اونا دارن. پیش طلعت؟ اوف اوف اسم طلعت رو نیار که عقم می­گیره. باهاش قهرم. بی بی گفت: قهرم که باشی باید آشتی کنی به خاطر بچه­ات..». (همان:69) کودکان از طریق همذات پنداری با شخصیت رمان، یاد می­گیرند که انتقاد کنند و نسبت به برخی مسایل واکنش نشان دهند. «افرادی که منتقدانه می­اندیشند، توانایی همراهی با دیدگاه­های مختلف را در خود پرورش می­دهند و آن دیدگاه را به صورت هوش مندانه و به وضوح بیان می­کنند.»(مکتبی فرد،1394 :54)

نکته قابل توجه این است که شخصیت کودک در رمان­­های حسن­زاده کمتر انتقاد می­کند و این بزرگترها هستند که انتقاد می­کنند. درحالی که مهارت تفکر انتقادی نقش مهم و سازنده­ای در زندگی کودک ایفا می­کند. مایرز معتقد است که آن‌چه موجب شکل‌ گیری تفکر انتقادی در افراد می‌شود، فرایند اصلاح ساختارهای فکری پیشین و ایجاد ساختارهای جدید است به نحوی که آموزش تفکر انتقادی را شامل «ایجاد عمدی یک جو عدم تعادل» می‌داند تا شاگردان بتوانند فرایند‌های فکری خود را تعویض و اصلاح کنند یا دوباره بسازند؛ و این اتفاقی است که تقریباً در هر داستانی تکرار می‌شود». (مایرز، 1374: 21)

در رمان«زیبا صدایم کن» شخصیت زیبا کمتر انتقاد می­کند. پدر زیبا بیشتر انتقاد می­کند تا زیبا. « یواش گفتم: هیس بابا! دست وردار. همه می­دونن تو تو جبهه نبودی. بلند گفت: من نبودم یا تو نبودی؟ صداش بالاتر رفته بود... تند تند پلک زد و گفت: آره؟ تو نبودی یا من نبودم؟ پس ما الکی دم می­گرفتیم تو سلمونی صلواتی واسه احمد آقا شکار سری؟...».(حسن­زاده،1394 :66) اگر شخصیت کودک داستان بتوانند مستدل و مستند انتقاد کند، مخاطب از طریق همذات پنداری با شخصیت داستان یاد می­گیرد که چگونه انتقاد کند.

**مهارت ارتباطی**

مهم­ترین مولفه­های مهارت ارتباطی عبارتنداز: ابراز وجود، غلبه بر خجالت، گوش دادن و مذاکره. شناخت هر کدام از مولفه­های فوق برای زندگی کودکان و نوجوانان امری ضروریست. آموزش و کسب این مهارت­ها بسیار ضروری بوده و ارتباط بسیار تنگاتنگی با آینده فرد به خصوص کودکان و نوجوانان دارد. چه بسا افراد بزرگسالی که از کودکی این مشکلات را با خود به دوش کشیده و کماکان در مهارت­های ارتباطی ضعف دارند. در برخی از داستان­های فرهاد حسن­زاده مولفه­های مهارت ارتباطی دیده می­شود. بعضی از شخصیت­های داستان­های حسن­زاده به دنبال ابراز وجود و نشان دادن خود و توانایی­هایشان هستند. این اشخاص بدون احساس ترس یا خجالت کارهای مهمی انجام می­دهند. شخصیت «دُرسا» در داستان «مردی که خودش را پیدا کرد» از مجموعه داستان­های گروه 1+5، اگر چه دختر است، اما شجاعت بیشتری نسبت به پسران دارد. « درسا ایستاده بود چند قدمی مردی که مُرده بود و خیره خیره نگاهش می­کرد. پارسا صدایش کرد و گفت: هی درسا انجا چکار می­کنی؟ دنبال دردسر می­گردی؟ برگرد این طرف... درسا ساکت به مرد نگاه می­کرد.... بدون آنکه چشم از مُرده بردارد گفت: نترسید... نترسید. بیایید واقعا باید خجالت بکشید... درسا خیلی شجاع بود...». (حسن­­زاده،1397 :19) درسا بدون اینکه از پسران احساس شرم و خجالت کند، جلوتر از همه در حوادث و اتفاقات ظاهر می­شود. او توانایی همکاری با همسالان خود را دارد و به راحتی با آنها مذاکره و گفت­و گو می­کند.

مهارت­هاي ارتباطي، لازمه­ي زندگي اجتماعي است. دانستن اين مهارت­ها نه تنها به افراد کمک مي­کند که در برقراري و تداوم ارتباط موفق باشند، بلکه دست­يابي آن­ها را به اطلاعات ناب ميسر مي­سازد و از بروز سوء تفاهم احتمالي در روابط بين فردي مي­کاهد. (ر.ک رحیمی و همکاران،1389: 443) مهارت ارتباطی گاهی با عنوان مهارت بین فردی نیز مطرح می­شود. مهارت بین فردی به مخاطبان کودک و نوجوان کمک می­کند که ارتباط موثری با همسالان خود داشته باشند. رابطه شخصیت زیبا با پدرش به گونه ای بود که به خوبی می­توانست با او حرف بزند. بدون ترس یا احساس خجالت. او از داشتن پدرش احساس غرور می کرد. «واسه من که عالی بود. دخترای همسایه هی پُز ماشین باباشو میدادن. من غصه­ام می­شد. شبی که با جرثقیل اومدی تو کوچه، خیلی ذوق کردم. بد جوری زدی تو پوزشون... الکی گفتم مال خودته. احساس قدرت می­کردم».(حسن­زاده،1394 :168) اگرچه پدر زیبا در تیمارستان به سر می­برد و از نظر روحی حال مناسبی نداشت؛ اما زیبا از بودن کنار پدر ابراز وجود می­کرد و در مقابل همسالان خود از پدرش حرف می­زد. بدون اینکه احساس شرم یا خجالت داشته باشد از اینکه پدرش در تیمارستان است. «بابای من یک چیز دیگر بود. قهرمان و ستاره زندگی. وقتی هیکل لاغر و استخوانی­اش را بغل می­کردم، انگار قوی­ترین مرد دنیا را بغل می­کردم... وقتی باد خزیده بود تو آستین مانتوم، احساس دختر بادی را داشتم که می­خواست با مرد عنکبوتی دنیا را نجات دهد.... ».(همان :33) کودکان و نوجوانان از طریق همذات پنداری با شخصیت داستان با مولفه­های مهارت ارتباطی آشنا می­شوند. «اين مهارت به فرد کمک مي­کند تا بتواند نظرها، عقايد، خواسته­ها، نيازها و هيجان­هاي خود را ابراز و به هنگام نياز از ديگران درخواست کمک و راهنمايي نمايد، مهارت تقاضا، کمک و راهنمايي از ديگران در مواقع ضروري، از عوامل مهم يک رابطه سالم است».(نیک پرور،1383 :43)

در رمان هستی، شخصیت هستی، موجودیت خود را نشان می­دهد. «گاز دادم و رفتم طرفش. جلویش ترمز کردم. عینکی بود. شبیه معلم ریاضی­مان بود. صورتم را نمی­دید. زیر چفیه گم بود. به چشم­هایم زل زد و گفت: برو آقا. خدا روزیته جای دیگه حواله کنه. سوار موتور نمی­شم. چفیه را از صورتم کمی پایین کشیدم. گفتم: سلام خاله. اگر دوس داری سوار شو. گفت: تو دختری؟ گفتم تو شناسنامه­ام که ئی طور نوشته. گفت: مطمئن باشم؟ گفتم خیالت راحت. مو می­خوام از پلیس راه رد شم. اگه سوار شی کمک بزرگی کردی... یواش یواش رفتم تا رسیدم به سرعت گیر. سربازی ایستاده بود لب خط. اشاره کرد بایستم. گفت: کجا؟ زن گفت: آبادن....». (حسن­زاده،1389 :211) شخصیت هستی این توانایی را دارد که سوار بر موتور بدون گواهینامه و مدارک لازم، از پلیس راه عبور کند. اگر چه از نظر قانون، کاری نادرست به شمار می­رود؛ اما نباید فراموش کرد که فضای جنگ واوضاع نابسامان باعث شده هستی دست به این اقدام خطرناک بزند. آنچه مهم و قابل توجه است، توانایی شخصیت هستی برای انجام کاری سخت و تا حدودی مردانه است. او ثابت می­کند که دختران و زنان نیز می­توانند در مواقع خطر، کاری بزرگ انجام دهند. هستی به خوبی از مهارت کمک و راهنمایی دیگران استفاده می­کند تا بحران و مشکل را برطرف کند.

**کاربرد مهارت­های خودآگاهی، همدلی و... در آثار حسن­زاده**

در این بخش به بررسی کاربرد مهارت­ها در داستان های حسن زاده پرداخته می­شود. میزان کاربرد هر کدام مهارت­ها در جدول جداگانه مشخص شده است.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نام داستان | علاقه به دیگران | تحمل افراد | دوست یابی | احترام به دیگران |
| از صدای باران خوشم می­آید | \* | \* | - | - |
| دو لقمه چرب و نرم | - | - | \* | - |
| دیو دیگ به سر | - | - | \* | - |
| بیا آواز بخوانیم | - | \* | \* | \* |
| لولوی زیبای قصه­گو | - | - | \* | - |
| همان لنگه کفش بنفش | \* | - | - | - |
| دارکوب و کرگدن | - | \* | \* | \* |
| هدیه خیس | \* | - | - | \* |
| آقای رنگی و گربه ناقلا | - | - | \* | \* |
| سنگ­های آرزو | - | - | - | - |
| قطار زرد مزدک | - | - | - | \* |
| سوت سفید سامان | - | \* | - | \* |
| پی تی کو - پی تی کو | - | - | \* | - |
| جنازه با اجازه | - | - | \* | \* |
| مردی که خودش را پیدا کرد | - | \* | \* | \* |
| زیبا صدایم کن | \* | - | - | \* |
| هستی | \* | - | - | \* |

**جدول شماره 1 کاربرد مهارت همدلی در داستان های حسن زاده**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نام داستان | ابراز وجود | غلبه بر خجالت | گوش دادن | مذاکره |
| از صدای باران خوشم می­آید | \* | - | - | - |
| دو لقمه چرب و نرم | - | - | - | - |
| دیو دیگ به سر | - | - | - | - |
| بیا آواز بخوانیم | \* | \* | - | \* |
| لولوی زیبای قصه­گو | - | \* | - | - |
| همان لنگه کفش بنفش | - | - | - | - |
| دارکوب و کرگدن | - | - | \* | \* |
| هدیه خیس | \* | \* | - | - |
| آقای رنگی و گربه ناقلا | \* | - | - | \* |
| سنگ­های آرزو | - | - | - | - |
| قطار زرد مزدک | - | \* | \* | - |
| سوت سفید سامان | \* | - | - | - |
| پی تی کو - پی تی کو | - | \* | - | - |
| جنازه با اجازه | \* | \* | \* | \* |
| مردی که خودش را پیدا کرد | \* | \* | - | \* |
| زیبا صدایم کن | \* | - | \* | \* |
| هستی | \* | \* | \* | - |

**جدول شماره 2 کاربرد مهارت ارتباطی در داستان حسن زاده**

**جدول شماره 3 مولفه­های مهارت خودآگاهی در داستان­های حسن زاده**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| آگاهی از ارزش­های خود | شناخت حقوق و مسئولیت | آگاهی از نقاط قوت | آگاهی از نقاط ضعف | نام داستان |
| \* | \* | \* | - | از صدای باران خوشم می­آید |
| - | - | - | \* | دو لقمه چرب و نرم |
| - | - | - | - | دیو دیگ به سر |
| \* | \* | \* | \* | بیا آواز بخوانیم |
| - | - | - | \* | لولوی زیبای قصه­گو |
| - | - | - | - | همان لنگه کفش بنفش |
| \* | \* | \* | \* | دارکوب و کرگدن |
| - | \* | - | - | هدیه خیس |
| - | - | - | - | آقای رنگی و گربه ناقلا |
| \* | - | - | \* | سنگ­های آرزو |
| - | - | \* | \* | قطار زرد مزدک |
| \* | \* | - | \* | سوت سفید سامان |
| - | - | \* | \* | پی تی کو - پی تی کو |
| - | \* | - | \* | جنازه با اجازه |
| \* | - | - | \* | مردی که خودش را پیدا کرد |
| - | \* | - | - | زیبا صدایم کن |
| \* | - | \* | \* | هستی |

**تحلیل اطلاعات و داده­های جدول های 1و2و3**

با توجه با اطلاعات جدول شماره 1 از میان مولفه­های مهارت همدلی، مهارت احترام به دیگران و دوست یابی بیشترین کاربرد را داشته اند. به صورت کلی و از بین مهارت­ها، مهارت همدلی کاربرد بیشتری در مقایسه با دیگر مهارت­ها داشته است. این مساله باعث می­شود که همدلی و صمیمیت زیادی میان مخاطب و شخصیت داستان شکل بگیرد و از طرف دیگر مخاطب کودک و نوجوان نیز مهارت همدلی را در خود تقویت می­کند.

درجدول شماره2 در میان مولفه­های خودآگاهی، مولفه شناخت نقاط ضعف بیشتر کاربرد را داشته. شناخت نقاط مثبت، شناخت حقوق و مسئولیت و ارزش خود در رتبه بعدی قرار دارند. توجه به مهارت خود آگاهی و انعکاس مولفه­هایی چون، شناخت نقاط ضعف و قوت، شناخت حقوق و مسولیت در بین مخاطبان کودک و نوجوانان اهمیت زیادی دارد که حسن زاده در داستان­های خود به انها پرداخته، اگر بیشتر به این مولفه­ها توجه شود، کودک می­تواند از طریق دنیای داستان مهارت خودآگاهی را بدون دخالت مستقیم بزرگسالان در خود تقویت کند. در اهميت کسب اين مهارت مي­توان به اين نکته اشاره کرد که نوع خود آگاهي ما، پيش بيني کننده احساس رضايت ما از خودمان و زندگي است و به نظر مي­رسد که احساس رضايت نيازي است که تقريبا تمام فعاليت­هاي ما معطوف به آن است. (ر.ک کلینکه به نقل از کاوه1391 :67)

در جدول شماره 3 و از میان مولفه­های مهارت ارتباطی، مولفه­های غلبه بر خجالت و ابراز وجود بیشتر کاربرد را به خود اختصاص داده­اند. این نکته بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که کودکان و نوجوانان معمولا با مساله خجالت و کم­رویی و عدم ابراز وجود و اعتماد به نفس پایین مواجه هستند. در برخی از خانواده­ها، جوامع و فرهنگ‌ها خجالت و کمرویی (و حتی اضطراب اجتماعی) نه تنها اختلال به حساب نمی‌آیند، بلکه به نوعی ارزش تلقی می‌شوند؛ ولی این اختلالات بر بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد تاثیرات منفی عمیق می‌گذارد که در صورت عدم درمان، نه تنها در بیشتر موارد باقی می‌مانند بلکه با عواقب و حتی اختلالات جدی‌تری همراه خواهند بود. (ر.ک ساداتیان،1390: 122)  کاربرد این مولفه­ها در داستان می­تواند کودکان و نوجوانان را در رفع این مشکلات یاری نماید.

**نتیجه**

با بررسی مهارت­های خوداگاهی، تصمیم­گیری، تفکر انتقادی، همدلی و ارتباطی در داستان­های حسن­زاده مشخص شد که مهارت همدلی، خوداگاهی و ارتباطی در مقایسه با سایر مهارت­ها، کاربرد بیشتری داشته اند. از میان مولفه­های مهارت خودآگاهی، مولفه­های شناخت نقاط ضعف و قوت و از میان مولفه­های مهارت همدلی، مولفه­های احترام به دیگران و دوست یابی بیشترین کاربرد را داشته اند. مولفه­هایی چون، غلبه بر خجالت، مذاکره، شناخت ارزش­های خود و شناخت حقوق و مسولیت از بسامد و کاربرد کمتری برخوردار بودند. از میان مهارت­ها، مهارت همدلی در مقایسه با سایر مهارت­ها،کاربرد بیشتری داشت. توجه به مهارت خودآگاهی و انعکاس مولفه­هایی چون، شناخت نقاط ضعف و قوت در بین مخاطبان کودک و نوجوانان اهمیت زیادی دارد که حسن­زاده در داستان­های خود به آنها پرداخته، اگر در کنار این مهارت به مهارت­هایی چون تفکر انتقادی و تصمیم گیری بیشتر توجه شود، کودک می­تواند از طریق دنیای داستان این مهارت­ها را در وجود خویش نهادینه کند. توجه به مولفه­های کم­رویی، ابراز وجود، شناخت ارزش­های خود اهمیت زیادی دارد. چرا که کودکان و نوجوانان معمولا با مساله خجالت و کم­رویی و عدم ابراز وجود و اعتماد به نفس پایین مواجه هستند. در برخی از خانواده­ها، جوامع و فرهنگ‌ها خجالت و کمرویی (و حتی اضطراب اجتماعی) نه تنها اختلال به حساب نمی‌آیند، بلکه به نوعی ارزش تلقی می‌شوند؛ ولی این اختلالات بر بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد تاثیرات منفی عمیق می‌گذارد.

**منابع**

**الف کتاب­ها**

1. امامي، نسرين (1383) **مهارت­هاي زندگي***،* تهران، نشر سازمان بهزيستي.
2. حسن زاده، فرهاد (1394) **زيبا صدايم کن**، تهران. نشر کانون پرورش فکري کودک و نوجوان.
3. حسن زاده، فرهاد (1389)**هستي،** تهران: نشر کانون پرورش فکري کودک و نوجوان.
4. حسن زاده، فرهاد (1376) **بیا آواز بخوانیم**. تهران، نشر پریسا.
5. حسن زاده، فرهاد (1382)**همان لنگه کفش بنفش**، تهران: نشر کانون پرورش فکري کودک و نوجوان.
6. حسن زاده، فرهاد (1387) **از صدای باران خوشم می آید***،* تهران، نشر حوزه نقره
7. حسن زاده، فرهاد (1397) **مردی که خودش را پیدا کرد***،* تهران، نشر افق.
8. حسن زاده، فرهاد (1397) **جنازه با اجازه***،* تهران نشر افق.
9. حسن زاده، فرهاد (1380) **هدیه خیس***، تهران*، نشر آستان قدس رضوی.
10. حسن زاده، فرهاد (1379) **لولوی زیبای قصه گو،** تهران، نشر پیدایش.
11. حسن زاده، فرهاد (1380) **دارکوب و کرگدن***،* نشر آستان قدس رضوی.
12. حسن زاده، فرهاد (1388) **دیو دیگ به سر**، نشر کانون پرورش فکری کودک ونوجوان.
13. خسرو نژاد، مرتضي (1382) **معصوميت و تجربه، در آمدي بر فلسفه ادبيات کودک**، تهران، نشر مرکز.
14. ساداتیان، علی اصغر (1390) **مهارت­های زندگی**، تهران، نشر ما و شما.
15. ساروخانی، باقر(1382)**روش­هاي تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
16. سيف، علي اکبر (1385) **روان شناسي پرورشي***،* تهران: نشر آگاه.
17. طارميان، فرهاد (1383) **مهارت­هاي زندگي**. تهران. انتشارات تربيت.
18. فرمهيني فراهاني، محسن و پيداد، فاطمه (1389) **مهارت­هاي زندگي**، تهران، نشر شباهنگ.
19. فيشر، رابرت (1385**) آموزش و تفکر**، ترجمه فروغ کيان زاده، اهواز، رسش.
20. فينکه، رگينا. (1381). **تربيت جنسي کودکان، آشنايي با مراحل رشد جنسي کودکان***،* ترجمه ليلا لفظي. تهران: ذکر.
21. کاوه، ذبیح اله (1391) **تاثیر آموزش مهارت­های زندگی بر رضایت و سازگاری زنان متاهل**. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره و روانشناسی دانشگاه اصفهان.
22. کلينکه، ال کريس (1383) **مهارت­هاي زندگي**، ترجمه شهرام محمدخاني، تهران، سپند هنر.
23. گلشيري، احمد (1380) **داستان و نقد داستان**، جلد اول. تهران. نشر نگاه.
24. گلمن، دانیل (1383) **هوش هیجانی،** ترجمه نسرین پارسا، تهران، نشر رشد.
25. مکتبی فرد، لیلا (1394)**کودک داستان و تفکر انتقادی***،* تهران، نشر کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.
26. ماروسکا، دان (1383) **چگونه تصميم هاي بزرگ بگيريم**، ترجمه رضا افتخاري، مشهد، بامشاد.
27. مایرز، چت (1374**) آموزش تفکر انتقادی**، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.
28. نورتون دانا؛ نورتون، ساندرا (1382) **شناخت ادبيات کودکان: گونه­ها و کاربردها از روزن چشم** *کودک*. ترجمه منصوره راعي ...(و ديگران). تهران: قلمرو،  2ج.
29. نیک پرور، ریحانه (1383) **مهارت­های زندگی**، تهران سازمان بهزیستی کشور. معاونت امور فرهنگی و پیشگیری.
30. هانتر-گبوی، کارول (1378) **راهنمای آموز مهارت­های زندگی**، ترجمه نگین عبداله زاده، صندوق کودکان سازمان ملل.

ب. مقالات

1. حمیدی، فریده (1384) «**بررسی اثر بخشی آموز مهارت­های زندگی بر دختران نوجوان**»، مجله مطالعات زنان، دوره 3، شماره 7.صص7-25.
2. رحیمی، مهدی و فریده یوسفی(1389) ***«*نقش الگوهای ارتباطی خانواده در همدلی و خویشتن داری فرزندان**»، خانواده پژوهی، دوره 3 شماره 6. صص433-447.
3. کوکبی، مرتضی، عباس حری، رویا مکتبی فرد (1389) «**بررسی مهارت­های تفکر انتقادی در داستان­های کودک و نوجوان**.» *مجله مطالعات ادبیات کودک شیراز*، سال اول، شماره دوم، صص157-193.

Studying the skills of critical thinking, self-awareness, empathy, decision making and communication in the stories by Farhad Hassanzadeh

The thinking skills of self-awareness, empathy, decision-making and communication play an important role in the lives of children and adolescents. Child and adolescent writers can enhance these skills in children through the world of fiction and novels. Kids need to learn some skills to enter the community and life. Skills that prepare children to face life's challenges and problems. The purpose of this study was to investigate and analyze the skills of self-awareness, decision-making, empathy and critical thinking in fiction works by Farhad Hassanzadeh. The research method is qualitative and quantitative analysis of the content of the works. The results of this study showed that among the skills studied, empathy and self-awareness skills had the most application among other skills. Among the components of self-awareness skills, the component of recognizing weaknesses and strengths and among the components of empathy skill, components of respect for others and friendliness have the most application. Another point is the lack of attention to components such as tolerance of individuals and attention to their values, critical thinking, and recognition of rights and responsibilities.

Key word: Self-awareness, Decision-making, Empathy, Critical Thinking, Communication, Hassan-Zadeh